



## منع ازدواج با محارم از دیدگاه اقوام و ملل

پدیدآورنده (ها): دشتی رحمت آبادی، غلامرضا

علوم قرآن و حدیث :: نشریه مشکوة :: بهار و تابستان ۱۳۶۷ - شماره ۱۸ و ۱۹ (ISC)

صفحات: از ۱۳ تا ۲۳

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/58597>

تاریخ داندود: ۱۴۰۵/۰۱/۲۰

**کاربر گرامی، فایل داندود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.**

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- شناسایی عوامل مؤثر بر ازدواج موفق و رتبه بندی آنها از دیدگاه متخصصان با استفاده از تاپسیس فازی
- بررسی پرهیز از ازدواج با اقوام نزدیک و آثار بروز ناتوانی در فرزندان
- بررسی رابطه میان بهره گیری از فرصت های فناوری و عوامل مؤثر بر آن با عملکرد مالی سازمان از دیدگاه مدیران شعب در بانک ها
- جنگ نرم افزار و راهکارهای مقابله با آن با الهام از دیدگاه مقام معظم رهبری
- بررسی توسعه پایدار از دیدگاه اقتصادی و محیطی با تمرکز بر جایگاه مسکن - نمونه موردی: مسکن بافت قدیم شهر بوشهر -
- ویژگی های فعل مرکب با مصادر قرضی و اشتقاق های آن از زبان عربی در فارسی معاصر : ویژگی ها و محدودیت ها دیدگاه صرف شناختی
- مفهوم خود از دیدگاه روان شناسی انسان گرا و عرفان اسلامی با تأکید بر روش تطبیقی
- مقایسه مشکلات رفتاری دانش آموزان با و بدون ناتوانی های یادگیری از دیدگاه معلمان
- مبانی و کارکرد ارتباطات دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری (با رویکرد جهانی)
- بررسی وضع موجود توانایی و صلاحیت های معلمان از دیدگاه دانش آموزان و مقایسه با وضع مطلوب از دیدگاه صاحب نظران در درس فیزیک سال چهارم دبیرستان

## منع ازدواج با مجارم از دیدگاه اقوام ملل

مسأله زناشویی و انتخاب همسر از اساسی‌ترین مسائل زندگی است که باید شالوده آن بر اساس معیارهایی درست استوار شود.

هم‌آهنگی روانی میان زن و مرد در تشکیل خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است که عدم توجه به آن موجب ملال و ناراحتی خاطر خواهد شد. امر ازدواج نه تنها در میان انسانها مقرر است بلکه به موجب آیات قرآن که کتاب آسمانی و جاوید است جریان قانون زوجیت در تمام موجودات اعّ من از انسان، نباتات، گیاهان، حیوانات و حتی ابرها و بادها برقرار است:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»<sup>۱</sup>

از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش بیابید.

«وَاللَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى»<sup>۲</sup> او جفتها را نر و ماده آفرید.

«وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ»<sup>۳</sup> و از همه میوه‌ها جفت آفرید.

«وَارْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ»<sup>۴</sup> ما بادها را در حالی که بارور کننده‌اند فرستادیم.

«سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۵</sup> منزه

است خداوندی که آنچه را از زمین می‌رویانند جفت آفرید و انسانها و نیز چیزهای دیگر را هم که اکنون عقلا از درک آن عاجزند جفت آفرید.

«وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ»<sup>۵</sup> رویانیدیم در زمین از هر گیاهی جفت که با حسن و

طراوت است.

سپس قرآن مجید جریان این قانون طبیعی در امر خلقت را تعمیم داده چنین می‌فرماید:

«وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ»<sup>۶</sup> و از هر چیز دو نوع نر و ماده آفریدیم.

باری، ما در اینجا از رابطه زناشویی در جهان آفرینش و کیفیت آن سخن نمی‌گوییم بلکه

۲ - سوره نجم، آیه ۴۵

۴ - سوره رعد، آیه ۳

۶ - سوره ذاریات، آیه ۴۹

۱ - سوره روم، آیه ۲۱

۳ - سوره حجر، آیه ۲۲

۵ - سوره یس، آیه ۳۶

گفتگوی ما در این مقاله «منع ازدواج با محارم» است که برخلاف طبع جوامع بشری بوده و از آن منتفراند. مک ایور می‌نویسد:

میل جنسی در بشر برقراری نوعی نظارت را در روابط جنسی ایجاب می‌کند. در برابر چنین میل نیرومند باید مقرراتی باشد تا جلوی پروایها و بوالهوسیه‌ها را بگیرد. در روابط خویشاوندی یا خانوادگی مراتب ممنوعه‌ای وجود دارد که در آن رابطه زناشویی تحریم شده است. وظیفه این مقررات این است که تمامیت خانواده را حفظ کنند و مقدم بر همه آنها «نهی ازدواج با محارم» است که می‌توان گفت: قانونی است عالمگیر. اگر یک قانون وجود داشته باشد که در تمام جوامع متباین بشری در گذشته و حال مشترک باشد همین است. این قانون شامل روابط جنسی میان برادر و خواهر، پسر و مادر و میان پدر و دختر است و دامنه آن با شدت کمتر به یک گروه خویشاوند گسترش می‌یابد. این نهی چنان در فرهنگ بشری نفوذ یافته که شکستن آن نفرت خاصی ایجاد می‌کند.<sup>۷</sup>

اگر به تاریخ بنگریم می‌بینیم که حتی وحشی‌ترین قبایل و عقب‌مانده‌ترین جمعیتها، یعنی قومی که بیابانگرد بودند، آدم می‌خوردند و هیچگونه قیود اخلاقی و انسانی نداشتند طبعاً نسبت به زناشویی با محارم سخت منتفر بوده و آن را ممنوع می‌دانستند.

«زیگموند فروید» در تشریح روابط جنسی بین انسانهای بدوی و منع ازدواج با محارم در میان آنان می‌گوید:

ما قبایلی را انتخاب می‌کنیم که نژادشناسان آنها را عقب‌مانده‌ترین و مفلوک‌ترین قبایل وصف می‌کنند. یعنی قاره «استرالیا». ساکنان اصلی «استرالیا» از نژاد مخصوصی به شمار می‌آیند که نه از جهت جسمانی و نه از لحاظ زبان‌شناسی با نزدیک‌ترین همسایگان خود یعنی اقوام «ملانزی»، «پولینزی» و اهالی «مالزی» هیچ‌گونه قرابتی ندارند.

این ساکنان، نه خانه می‌سازند و نه کلبه استوار می‌کنند، نه زمین می‌کارند و نه دارای حیوانات اهلی هستند، آنها حتی سگ هم ندارند و با سفال نیز آشنا نیستند، آنان منحصرأ از گوشت جانوران و ریشه درختانی که از زمین بیرون می‌کشند تغذیه می‌کنند، آنها نه سلطان دارند و نه رئیس، مجمع مردان پخته و معزب درباره امور عمومی تصمیم می‌گیرد. حتی محقق نیست که در میان آنها آثاری از مذهب، به شکل ذوات اعلا بتوان به دست آورد. قبایل و ساکنان داخل قاره که در اثر نبودن آب، باید با شرایط فوق‌العاده سخت مقابله کنند، از جمیع جهات نسبت به ساکنان نواحی مجاور ساحل ابتدایی‌تر به نظر می‌آیند. بی‌شک ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که این آدمخواران مفلوک و عریان به یک نوع اصول اخلاقی جنسی، نظیر آنچه در میان ما وجود دارد

پای‌بند باشند. و یا بر غرایز جنسی خود قیود سختی تحمیل کنند. با اینهمه ما می‌دانیم که منع روابط جنسی مبتنی بر زنا با محارم به شدیدترین صورت در میان آنها برقرار و داشتن روابط جنسی با اقربا از شدیدترین محرمات و در حکم زنا می‌باشد. تخطی از این حرمت، برخلاف نقض سایر قیود توتمی (مثلاً منع خوردن گوشت توتم)<sup>۸</sup> به کیفری طبیعی که خود بخود پیش می‌آید منجر نمی‌گردد بلکه بوسیله تمامی افراد قبیله انتقام آن از مجرم گرفته می‌شود. چنانکه گویی موضوع دفع خطری است که تمام جامعه را تهدید کرده یا خطایی است که بر دوش اجتماع سنگینی می‌کند... استرالیاییها و سایر اقوام ابتدایی معتقدند که چون در خلوت قرار گرفتن یک مرد با یک زن منجر به بروز یک محبت قلبی ناشایسته می‌شود لذا برای جلوگیری از روابط جنسی بین خویشاوندان نزدیک، خود را ملزم به رعایت یک سلسله از عادات و رسوم نیز می‌دانند: در «ملانزی» در جزیره جدامیها وقتی پسر بچه به سنّ معینی رسید باید خانه مادری را ترک کرده در خانه عمومی (باشگاه) بسر برد. وی برای خوردن غذا می‌تواند به خانه سر بزند ولی اگر خواهرش در خانه باشد باید غذا نخورده بازگردد. اگر در خارج از خانه برادر و خواهر بر حسب اتفاق باهم روبرو گردند خواهر باید بگریزد و یا خود را پنهان کند. اگر پسر روی شنها جای پای یکی از خواهرانش را ببیند نباید به دنبال آن اثر برود. خواهر نیز مشمول همین منع است. پسر نباید نام خواهر را به زبان بیاورد و حتی حق ندارد کلمه‌ای که یک جزء از اسم خواهرش را می‌سازد بکار ببرد. این نهی که همزمان با مراسم ورود به مرحله بلوغ بموقع اجرا گذاشته می‌شود باید در تمامی دوره حیات رعایت گردد. دوری و فاصله بین مادر و پسرش همراه با بالا رفتن سنّ پسر افزایش می‌یابد. قیودی که باید از طرف مادر رعایت شود به مراتب بیش از قیودی است که بر پسر تحمیل می‌شود. وقتی مشارالیها برای او غذا می‌آورد نباید آن را مستقیماً به دست وی بدهد بلکه باید غذا را جلو او بگذارد. مادر هرگز با لحن خودمانی با پسر سخن نمی‌گوید بلکه بجای «تو» به او «شما» خطاب می‌کند... در بعضی از قبایل آفریقای شرقی منعی دیده می‌شود که قاعده باید در اغلب موارد وجود داشته باشد. در فاصله بین بلوغ و ازدواج دختر جوان باید به شدت از پدر خود احتراز جوید. وی هنگامی که در کوچه با پدر روبرو می‌شود خود را پنهان می‌سازد و هرگز درصدد برنمی‌آید که در کنار او بنشیند و این نحو رفتار را تا زمان نامزدی ادامه می‌دهد و بعد از شوهر کردن روابط او و پدرش عادی می‌گردد. شایع‌ترین و شدیدترین و جالب‌ترین منعها مربوط به روابط داماد با مادر زن است. این نهی

۸- توتم، کلمه‌ای است که از زبان یکی از اقوام بومی سرخ‌پوست آمریکای شمالی به نام «آگنونکین» گرفته شده و به معنی شیخ محترم و در عین حال علامت و نشانه طایفه نیز می‌باشد. توتم، یک حیوان ماکول و بی آزار، یا جانوری خطرناک و مخوف است که با مجموع افراد گروه رابطه‌ای مخصوص دارد و به ندرت نیز یک رستنی یا یکی از نیروهای طبیعت توتم قرار می‌گیرد. کسانی که دارای توتم مشترک اند ملزم به رعایت تکالیفی هستند که سر پیچی از آنها به خودی خود کیفری را موجب می‌شود.

در میان جمیع اقوام استرالیایی، ملانزی، پولینزی و سیاهان آفریقا و در هر جا که آثار توتمیسم و قرابت گروهی وجود داشته باشد به چشم می‌خورد. در میان برخی از این اقوام، منع مشابهی در مورد روابط ساده و عادی میان زن و پدرشهر وجود دارد. در جزایر «بانکو» این منعها بسیار سخت و دارای شدتی بی‌رحمانه است: یک داماد و مادرزن باید از فرارگرفتن در قرب یکدیگر احتراز کنند. وقتی برحسب اتفاق در راه باهم روبرو می‌شوند، مادرزن باید خود را کنار بکشد تا آنکه وی دور شود و بالعکس.

در قبیله سیاه پوست «بازوکا» مرد حق ندارد با مادرزن خود سخن بگوید مگر وقتی که مشارالیها در یکی از اطاقهای دیگر خانه پنهان از چشم او باشد. این قوم از زنا با محارم چنان نفرت دارد که حتی حیوانات خانگی را نیز در صورت ارتکاب مجازات می‌کند. به هر حال، از آنجایی که این اقوام وقتی مرتکب اعمال جنسی با خویشاوندان نزدیک می‌شوند باید در انتظار سخت‌ترین مجازاتها باشند طبیعی است که سعی می‌کنند با این نوع منعها خود را از هر نوع وسوسه احتمالی در امان نگه دارند.<sup>۹</sup>

در باره زن هندی در قانون نامه «مانو» به مردان چنین اخطار می‌شود: «زن طبیعاً میل دارد مرد را اغوا کند، لذا مرد نباید در یک جای خلوت حتی با خویشان نزدیک خود بنشیند و نباید به بالا تر از قوزک پای دختر عابر نگاه کند»<sup>۱۰</sup>.  
 علامه طباطبائی می‌نویسد:

فطرت بشری که مایل به زناشویی است اول دشمن فحشا و زنا می‌باشد که باعث قطع و فساد نسل و انساب می‌شود، و بین امتهای مختلف و جامعه‌های گوناگون حتی آنان که در روابط شهوانی بین زن و مرد آزادیهایی دارند آثار این دشمنی فطری به چشم می‌خورد و علائم نگرانی از چهره‌شان از بی‌بندوباری آشکار است... مفسر مزبور درباره علل ممنوعیت «ازدواج با محارم» می‌گوید: زنهایی که نکاحشان حرام است چهارده قسم هستند که در آیات تحریم ذکر شده‌اند، و ملاک تحریم نکاح آنان سد باب زنا است، زیرا انسان که در جامعه خانوادگی زندگی می‌کند بیشتر با این چهارده قسم زن معاشرت و آمیزش و صحبت می‌دارد و تماس و مصاحبت دائمی موجب توجه بیشتر و تمرکز قوی‌تر عواطف و امیال حیوانی و شهوانی می‌گردد و انسان را بیشتر به لذات طبیعی و نفسانی برمی‌انگیزد و ممکن است پا را آن طرف خط بگذارد. پس لازم است که فقط به تحریم زنا اکتفا نشود چون مصاحبت دائمی بعلاوه هجوم وسوسه‌های شیطانی و حمله دمامم هموم، جایی برای خودداری از زنا نمی‌گذارد. بنابراین، واجب بوده که این دسته از زنان را حرام ابدی سازد و طوق تربیت دینی را چنان به آنان محکم کند که چشم طمع از رسیدن به ایشان را نداشته باشند. و

۹ - اقتباس از «توتم و نایو»، زیگموند فروید، ترجمه محمدعلی خنجی، ص ۲۲-۳۰

۱۰ - تاریخ تمدن، ویل دورانت، کتاب اول، هند و همسایگانش، ص ۷۱۱

شهوت آمیزش با ایشان را در خود بمیرانند و ریشه آن را از بیخ بکنند. این چیزی است که در بسیاری از مسلمانان که حتی در فساد و فحشا غرق هستند، سراغ داریم که به فکر چیزی که نیستند پرده عفت دریدن مادران و دختران و... است و الا در غیر این صورت کاشانه‌ای خالی از زنا و فساد نبود.

اسلام، باب زنا را با غیر محارم را هم با وجوب (حجاب زن) و جلوگیری از آمیختن مرد و زن، و زن و مرد سد کرده است. زیرا اگر این طور نبود نهی از زنا؛ کاری از پیش نمی‌برد. پس برای جلوگیری از «زنا» اسلام دو پیش‌بینی قبلی کرده است: یکی آنکه مانع معاشرت و آمیزش بیشتر زنان و مردان شده، دیگر آنکه عده‌ای را بکلی از وصال عده‌ای محروم ابدی نموده است. و این محرومیت را چنان با تربیت خانوادگی توأم گردانیده که در بزرگی محروم بودن از آنان جزء عقیده اوشده و محارم را به چشم دیگری نگاه می‌کند...

این است اساس حکم اسلام در مسأله تحریم محرمات در باب نکاح. و تأثیر این حکم در جلوگیری از رواج زنا و راه یافتن آن در اجتماع خانوادگی، مانند تأثیر حکم حجاب در جلوگیری از زنا در اجتماع مدنی است.

علامه، پس از آنکه علت تحریم ابدی «ازدواج با محارم» را این گونه توجیه می‌کند می‌گوید: آیه «وَرَبَّائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ» خالی از این حکمت نیست<sup>۱۱</sup>. زیرا اینگونه افراد که تحت سرپرستی انسان بوده و همیشه در دسترس می‌باشند اگر تحریم ابدی نشوند قهراً راه زنا و اعمال نیروی جنسی در مورد آنان باز خواهد شد.

در تأیید مطالب گذشته باید گفت که گروهی از روان‌شناسان درباره ریشه انحراف ابتلا به «محارم» عقیده دارند که پایه نزدیکی با محارم در عده‌ای از دوران طفولیت بنا نهاده می‌شود که بعدها در زندگی در اثر پیش‌آمدهایی شروع به خودنمایی می‌کند. به این نحو که هنگام شروع تمایلات جنسی، کودک ابتدا یکی از محارم و کسان نزدیکش را انتخاب می‌کند. پسر ابتدا مادر و سپس خواهر و دختر اول پدر و بعد برادر را به عنوان جفت جنسی خود انتخاب می‌کند. در دوران طفولیت هر کودکی کم‌وبیش تحت تأثیر این جاذبه قرار گرفته است. حال اگر مراحل جنسی کودک به طور طبیعی سیر کند طفل عشق به محارم را واپس زده و تمایلات جنسی اش متوجه دیگران می‌شود ولی اگر این میل از دوران کودکی در شخص بماند و تصفیه نشود در دوران بلوغ، شخص نسبت به محارم و نزدیکان فامیل احساس میل جنسی می‌کند<sup>۱۲</sup>.

۱۱ - ترجمه تفسیر ابن‌عزیز، ج ۴، ص ۴۷۳

۱۲ - کنترول رابطه جنسی، احمد مقفیری، ص ۱۹۴

### زناشویی با محارم از نظر مذاهب

در مذهب «یهود» ازدواج با محارم منع شده اما نه به طور کامل. در توراۀ کسانی که به عنوان «محارم» معرفی شده‌اند عبارتند از: دختر، مادر، زن پدر، خواهر، نوۀ پسر و دختری، عمه، خاله، عمو نسبت به برادرزاده، عروس، زن برادر و خواهرزن<sup>۱۳</sup>. چنانکه ملاحظه می‌شود موضوع حرمت ازدواج با مادر و خواهر رضاعی<sup>۱۴</sup> و نیز حرمت زناشویی دایی با خواهرزاده خود در متن «توراۀ» صراحتاً وجود ندارد.

در «انجیل» دستور روشنی درباره «ازدواج با محارم» نیست. کاتولیکها و پروتستانها تابع «توراۀ» می‌باشند با این تفاوت که از ازدواج با دختر خواهر هم می‌پرهیزند. و اما ارتودوکسها ترجیح می‌دهند که زناشویی تا هفت نسبت پدری و مادری انجام نگیرد. و طرز ازدواج مسیحیان در نقاط مختلف دنیا برحسب عادات بخصوصی متفاوت است<sup>۱۵</sup>.

در آیین زرتشتی رسم «ازدواج با محارم» پذیرفته نشده است و تنها در میان برخی از شاهان و سرداران بویژه بعضی از شاهان ساسانی رواج یافت. و مشکل است که بتوان روش عدۀ معدودی که به دین نیز توجهی نداشته‌اند ملاکی کلی و قطعی پنداشت<sup>۱۶</sup>. و آنچه در مورد ازدواج با خویشاوندان نزدیک درباره پادشاهان ساسانی گفته شده این است که این رسم برای حفظ خون، مال و پاکی نژاد بوده است که با کمک روحانیان زرتشتی که با فسادهای خود با طبقه حاکمه همکاری داشتند انجام می‌شد.

گریستن دانمارکی می‌نویسد:

اهتمام در پاکی نسب و خون خانوادگی یکی از صفات بارزه جامعه ایرانی به شمار می‌رفت تا به حدی که ازدواج با محارم را جایز می‌شمردند... این رسم از قدیم معمول بوده حتی در عهد هخامنشیان، کمبوجیه دو خواهر خود را در عقد ازدواج داشت که یکی از آنها «آتسا» نام داشت. داریوش خواهر خود «پریساتیس» را به زنی گرفت. و اردشیر دوم با دختر خود «آتسا» و

۱۳ - سفرلایوان - باب ۱۸

۱۴ - اگر طفلی کمتر از دو سال، از پستان زنی که از راه حلال شیردار گردیده پانزده جلسه یا یک شبانه روز متوالی شیرخاخص بخورد صورتی که شیر مربوط به یک شوهر و یا هیچ نوع غذای دیگر هم مخلوط نشده باشد، محرمیت ایجاد می‌شود. توضیح آنکه اگر زنی کودکی را به اندازه‌ای شیربندد که بدن او با آن شیر نمو مخصوصی کند در میان آن کودک و سایر فرزندان آن زن یک نوع شباهت پیدا می‌شود و درحقیقت هرکدام جزئی از بدن آن مادر محسوب شده و همانند دوبرادر و خواهر نسبی می‌باشند. و در این رابطه حدیثی از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: *یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب* (وسائل الشیخ، باب نکاح، ج ۱۴، ص ۲۸۰)

۱۵ - بهداشت ازدواج از نظر اسلام، دکتر صفدر صانعی، ص ۳۰

۱۶ - تاریخ کامل ادیان، هاشم رضی، ص ۳۷۴

«آمستریس» و داریوش سوم با دختر خود «استاترا» ازدواج کرد<sup>۱۷</sup>.

قباد، پدر نوشیروان، هم دختر خواهر خود و هم یکی از خواهران خود و هم دختر خود «سامبیکه» را به زنی داشته است. بهرام چوبین نیز با خواهر خود ازدواج کرده است<sup>۱۸</sup>. کریستیان بارتلمه خاورشناس معروف آلمانی گوید: باید خاطر نشان سازم که تقریباً تمام آنچه که از کتاب حقوقی «فرخ» درباره مقام و حقوق زن در امپراطوری ساسانی می‌توان استنباط کرد همه اش مربوط به وضع زنان طبقات نسبتاً ثروتمند است. به عبارت دقیقتر مربوط به وضع زنان اشراف است و درباره وضع حقوقی طبقات زیرین و بی‌نواهی اجتماع اطلاعی از این منابع نمی‌توان بدست آورد<sup>۱۹</sup>.

بنابراین، محور مقررات خانوادگی ساسانی برای حفظ دو چیز بوده است: نژاد، ثروت. و ازدواج با محارم که در آن عهد رایج بوده و از دوران پیشین نیز سابقه داشته است روی همین اساس قرار داشته است. یعنی خاندانها برای اینکه مانع اختلاط خون خود با بیگانه و افتادن ثروت خود در اختیار بیگانه شوند، کوشش می‌کرده‌اند تا حد امکان با اقربای نزدیک خود ازدواج کنند. و چون این عمل برخلاف مقتضای طبع بوده با زور و قدرت مذهب و اینکه اجر و پاداشش در جهان دیگر عظیم است و کسی که امتناع ورزد جایش در دوزخ است آن را کم و بیش به خورد مردم می‌داده‌اند<sup>۲۰</sup>.

نویسندگان اسلامی نیز از این رسم ایرانیان فراوان سخن گفته‌اند. از جمله در شرح لمعه و ریاض در باب «ارث» به ازدواج مجوس با مادر و دختر و خواهر اشاره رفته است. و نیز ابوالعالی در کتاب «بیان‌الادیان» که از قدیم‌ترین اثر ملل و نحل به زبان فارسی است متذکر ازدواج مجوس با مادر و خواهر و دختر است<sup>۲۱</sup>.

ثعالبی می‌گوید: زرتشتیان، زناشویی خواهر با برادر و پدر با دختر را روا می‌دارند و در این مورد به زناشویی فرزندان آدم (ع) استناد می‌جویند<sup>۲۲</sup> و حال آنکه در احادیث تصریح شده است که فرزندان آدم (ع) هرگز با هم ازدواج نکرده و شدیداً از کسانی که معتقد به چنین ازدواجی بوده‌اند انتقاد شده است<sup>۲۳</sup>.

۱۷- ایران در زمان ساسانیان، کریستن سن، ص ۳۴۷

۱۸- زن در حقوق ساسانی، بارتلمه، ترجمه دکتر صاحب الزمانی، پیشگفتار

۱۹- زن در حقوق ساسانی، ترجمه دکتر صاحب الزمانی، ص ۱۴

۲۰- خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مرتضی مطهری، ص ۲۹۲

۲۱- بیان‌الادیان، محمد بن الحسین العلوی، ص ۷

۲۲- غرر اخبار ملوک فارس، چاپ پاریس، ص ۲۵۹

۲۳- وسائل الشیعه، شیخ حرّامی، ج ۱۴، ص ۲۷۷

قانون یونان نیز صریحاً اجازه می‌داد که دختر چون از میراث پدر محروم است می‌تواند با وارث محرم خود ازدواج کند. مثلاً پسر که وارث منحصر پدر بود می‌توانست با خواهر خویش مزاجت کند مشروط بر آنکه هر دو از یک مادر متولد نشده باشند. و چون عملاً زن و شوهر در ثروت خانوادگی شریک بودند در نتیجه دختر نیز از میراث پدر بهره‌مند می‌شد و هرگاه چنین دختری شوهر می‌داشت ناچار بود از وی طلاق گرفته با وارث پدر ازدواج کند و همچنین اگر وارث متأهل بود او هم ناگزیر زن خود را طلاق گفته به زناشویی با وی تن در می‌داد.<sup>۲۴</sup>

پس مجموع این امور برای این بود که حق طبیعی دختر ضایع نشده و بدین صورت وسیله انتقال مال پدر به خود شود. و چون روابط و مناسبات اجتماعی هر جامعه متکی بر یک سیستم پندار که ترکیبی از صور فکری غالب و رایج آن جامعه است می‌باشد، افراد ناگزیر علی‌رغم میل طبیعی و باطنی خود به چنین ازدواجهایی تن در داده و موظف بودند با محارم خویش روابط زناشویی که برای استقرار خانواده انتظار می‌رفت برقرار کنند.

اما اسلام که خاتم و کامل ادیان بوده و قوانین و مقررات آن مطابق فطرت است برای رعایت بهداشت، سلامتی نسل و نیرومندی بدن نه تنها معاشرت و آمیزش زنان و مردان را محدود کرده است بلکه عده‌ای از آنان را از وصال یکدیگر محروم ابدی نموده است. و معتقد است که زناشویی با محارم اگر در خویشاوندان دور مشکلی ایجاد نکند مسلماً در خویشاوندان نزدیک که همخونی آنان شدیدتر است تولید اشکال خواهد کرد:

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ يَكُنُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً»<sup>۲۵</sup> حرام شده است بر شما مادران و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر شما و مادرانی که شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران همسران و دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید و چنانکه آمیزش جنسی با آنها نداشته‌اید (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد. و همچنین همسرهای پسران شما که از نسل شما هستند (نه پسرخوانده‌ها) و نیز حرام است بر شما اینکه جمع بین دو خواهر کنید مگر آنچه در گذشته واقع شده خداوند آمرزنده و مهربان است.

پیشوایان دینی نیز در این زمینه نظر دانشمندانه‌ای داشته و مردم را از ازدواج با خویشاوندان نزدیک که همخونی شدیدتری دارند باز داشته‌اند:

۲۴ - زن از نظر قضائی و اجتماعی، قسبه حجازی، ص ۲۴

۲۵ - سورة نساء، آیه ۲۳

«عن النبی (ص): لَا تَنْكِحُوا الْقَرِيبَةَ فَإِنَّ الْوَلَدَ يُخْلَقُ ضَاوِياً»<sup>۲۶</sup> یعنی، بباستگان نزدیک ازدواج نکنید که فرزند ضعیف ولاغر به وجود می‌آید. «عن احدهما (ع) قال: مَنْ زَنَا بِذَاتٍ مَحْرَمٍ حَتَّى يُوَاقِعَهَا ضُرِبَ ضَرْبَهُ بِالسَّيْفِ. أَخَذَتْ مِنْهُ مَا أَخَذَتْ. وَإِنْ كَانَتْ تَابَعَتْهُ ضُرِبَتْ ضَرْبَهُ بِالسَّيْفِ أَخَذَتْ مِنْهَا مَا أَخَذَتْ.»<sup>۲۷</sup> امام باقر و یا امام صادق (ع) فرمودند: کسی که با محارم زنا کند یک ضربت شمشیر با وزه می‌شود تا هرجای بدن او گیرد و اگر زن هم در این جریان تابع بوده و مانع نشود به او نیز یک ضربت شمشیر زده می‌شود هرچا را که خواهد فراگیرد.

بعلاوه چنانکه می‌دانیم جاذبه جنسی شرط استحکام پیوند زناشویی است و چون محارم غالباً در یک خانواده زندگی کرده و باهم بزرگ شده‌اند طبعاً برای یکدیگر فردی عادی و معمولی بوده و ارضای قوای جنسی و کشش آن در ازدواج با آنها جریان طبیعی نداشته و به اصطلاح کمبود دارد. در نتیجه اگر ازدواج در میان محارم نزدیک صورت گیرد ناپایدار و سست خواهد بود. از اینرو اسلام که ازدواج بعضی از اقربا مانند: پسرعمو و دخترعمو، پسرخاله و دخترخاله و یا دخترعمه و پسردایی و غیره را جایز می‌داند برای اینکه بعد از تشکیل خانواده به نارسایی غریزه جنسی مبتلا نگردند، پس از رشد و بلوغ و بیداری قوای جنسی معاشرت‌ها و رفت‌وآمدهای آنها را کنترل کرده و با وضع قوانین مختلف همچون بیگانگان، آزادی مطلق معاشرت آنها را با یکدیگر محدود می‌سازد. و توصیه می‌کند که دختران و پسران بیش از هفت سال مطلقاً باهم در ارتباط نزدیک نباشند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَلْصَبِيُّ وَالْصَّبِيُّ وَالصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ يَفْرُقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ سِنِينَ»<sup>۲۸</sup> بستر خواب پسر بچه با پسر بچه و پسر بچه با دختر بچه و دختر بچه با دختر بچه در سن ده سالگی باید از هم جدا شود.

«قال أبو عبد الله (ع): إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ سِتَّ سِنِينَ فَلَا يُقْبَلُهَا الْغُلَامُ وَالْغُلَامُ لَا يُقْبَلُهَا الْمَرْأَةُ إِذَا جَاوَزَ سِتَّةَ سِنِينَ»<sup>۲۹</sup> پسر بچه، دختر بچه شش ساله را نبوسد و همچنین زنها از بوسیدن پسر بچه‌ای که شش از هفت سال تجاوز کرده است خودداری نمایند.

### زیان ازدواج با محارم

تحقیقات دانشمندان طبیعی نشان می‌دهد که زناشویی با محارم موجب فساد، ضعف مزاج و تباهی نسل می‌شود و بهداشت نسل ایجاب می‌کند که ازدواج با محارم ممنوع باشد. توضیح آنکه، براساس تحقیقاتی که بعمل آمده اگر در یکی از محارم مرضی بطور آشکار یا

۲۶- المحجة البيضاء، ملامحسن فیض کاشانی، ج ۳، ص ۹۴

۲۷- وسائل الشیعه، شیخ حرّعاملی، ج ۱۴، ص ۲۲۴

۲۸- وسائل الشیعه، شیخ حرّعاملی، کتاب نکاح، ج ۱۴، ص ۱۷۰

۲۹- همان مأخذ، ج ۱۴، ص ۱۷۰

پنهان وجود داشته باشد و ازدواجی بین آنها انجام بگیرد موجب تشدید مرض و آشکار شدن آن بیماری می‌شود. مثلاً اگر پسر یا دختری که با هم دیگر رابطه هم‌خونی و یا قرابت رضاعی دارند دارای بیماری «ژنی» پنهانی باشد در اغلب موارد ممکن است در اثر ازدواج، آن بیماری پنهانی آشکار شود.<sup>۳۰</sup> در صورتی که همان فرد اگر با افراد غیر فامیلش ازدواج کند ممکن است بیماری در خونهای قومی تغییر کرده و اثر آن در نسلهای بعدی بکلی از بین برود. البته ممکن است که در ازدواجهای غیر خویشاوندی هم ژن معیوب نهفته آشکار شود اما این آشکار شدن ژن معیوب در ازدواجهای خویشاوندی بیشتر است. از اینرو در بیشتر ممالک متمدن جهان از مزاجت بین محارم جلوگیری می‌شود. و طی آمارهای موثق در ۷۰ سال اخیر تنزل تدریجی بین ازدواج با محارم پیدا شده است.<sup>۳۱</sup>

در سیستم حقوقی انگلستان قرابت در خط مستقیم، خواه صعودی و خواه نزولی (اعم از نسبی و سببی) مانع نکاح می‌گردد. مثلاً مرد نه تنها نمی‌تواند با مادر بزرگ خود ازدواج کند بلکه این منع قانونی در مورد نکاح او با مادر بزرگ زوجه متوفای او نیز صدق می‌کند. ازدواج بین افرادی که در خط افقی اعم از سببی یا نسبی باهم قرابت داشته و قرابت آنها تا درجه سوم باشد از مدتها پیش نیز ممنوع اعلام شده بود. بنابراین، افراد زیر نمی‌توانند با یکدیگر ازدواج نمایند:

- الف - برادر و خواهر  
ب - خاله و خواهرزاده  
ج - عمه و برادرزاده  
د - دایی و خواهرزاده

همچنین ازدواج مرد با خواهرزن و خاله و عمه و برادرزاده یا خواهرزاده زوجه او و بالعکس ازدواج زوجه با اقربای شوهر در همین حدود ممنوع اعلام شده بود ولی در اثر اصلاحاتی که بعداً در مقررات قانون در این خصوص بعمل آمده، مقرر شد که ازدواج مرد با خواهر زوجه متوفای خود و نکاح زن با برادر شوهر متوفایش مجاز می‌باشد. و نیز اعلام شد که مرد می‌تواند با عمه یا خاله یا خواهرزاده یا برادرزاده زوجه خود در صورتیکه فقط بوسیله نکاح با او قرابت سببی (یعنی خودش با او قرابت نسبی نداشته باشد) ازدواج نماید.<sup>۳۲</sup>

در اکثر ایالات متحده آمریکا که علل فسخ نکاح احصا گردیده یکی از علل فسخ، «نکاح با محارم» بوده است که از جمله آنها: دلویر، گنکتیکوت، کلمبیا، لوئیزیانا، مریلند، نیومکزیکو، ویرجینیای غربی، و یومینگ و هاوایی را می‌توان نام برد.<sup>۳۳</sup> در جزیره «کالدونی جدید» مزاجت

۳۱ - بهداشت ازدواج از نظر اسلام، دکتر صفدر صائمی، ص ۳۳

۳۰ - مکتب اسلام، سال دهم، شماره پنجم، ص ۴۳

۳۳ - همان مأخذ، ص ۱۰۸ - ۱۰۰

۳۲ - کتاب ملاق، دکتر قدرت الله واحدی، ص ۶۸

بین اقوام و خویشاوندان ممنوع است ولی این ممنوعیت مختص به خویشاوندان مادری است<sup>۳۴</sup>. بعضی از ملل متمدن قدیم مثل هندوها و چینیه‌ها هم اکنون معتقدند که نباید با زنان خانواده و قوم و قبیله خود ازدواج کرد بلکه باید زن و شوهر از دو ریشه جداگانه باشند. شدت و ضعف این عقیده زیاد است. بعضی از اقوام به عدم ازدواج با محارم و اقربا تا درجه ششم قناعت کرده‌اند و بعضی دیگر مطلقاً تزویج زنان قوم خود را صحیح نمی‌دانند<sup>۳۵</sup>.

### منابع مورد استفاده

- |                                |                          |
|--------------------------------|--------------------------|
| ۱- قرآن مجید                   | عَلَمَه طباطبائی         |
| ۲- تفسیر المیزان               | شهید مرتضی مطهری         |
| ۳- خدمات متقابل اسلام و ایران  | شیخ حرّ عاملی            |
| ۴- وسائل الشیعه                | هیأت تحریریه - قم        |
| ۵- مکتب اسلام                  | مک ایور - ترجمه          |
| ۶- جامعه و حکومت               | فروید - ترجمه            |
| ۷- توتم و تابیو                | محمد بن الحسین العلوی    |
| ۸- بیان الادیان                | دارالسلطنه لندن          |
| ۹- تورا                        | گریستن سن - ترجمه        |
| ۱۰- ایران در زمان ساسانیان     | هاشم رضی                 |
| ۱۱- تاریخ کامل ادیان           | دکتر صفدر صائمی          |
| ۱۲- بهداشت ازدواج از نظر اسلام | ویل دورانت - ترجمه       |
| ۱۳- تاریخ تمدن                 | ثعالبی                   |
| ۱۴- غرر اخبار ملوک فارس        | گریستیان بارتلمه - ترجمه |
| ۱۵- زن در حقوق ساسانی          | حسن صدر                  |
| ۱۶- حقوق زن در اسلام و اروپا   | احمد مطهری               |
| ۱۷- کنترل رابطه جنسی           | قدسیه حجازی              |
| ۱۸- زن از نظر قضائی و اجتماعی  | قدرت الله واحدی          |
| ۱۹- کتاب طلاق                  | ملا محسن فیض کاشانی      |
| ۲۰- المحبّة البیضاء            |                          |